

# زیباشناسی واژگان قرآن

روجا مهاجر

## درآمد

پیشینه گفتمان زیبایی‌شناسی به قدمت تاریخ اعجاز قرآن کریم است. نخستین محور زیباشناسی، نظم قرآن بود که آن را ابراهیم‌بن سبیر معروف به نظام (۲۲۴م) مطرح کرد. وی مسئله فصاحت و بلاغت عرب را می‌شناخت و از ادیبان عصر خود بود و می‌شناخت که چگونه عرب در نظم و نثر چیرگی دارد. برای نظام، این پرسش مطرح شد که چگونه عرب نتوانست بمانند قرآن بیاورد. او نظریه صرفه را مطرح کرد، تا نشان دهد که با همه چندگانگی و پراکندگی آیات قرآن، از نظم و اعجاز ویژه‌ای برخوردار است. جاحظ (۲۵۵م) شاگرد وی نیز کار استاد خود را دنبال کرد، هر چند که او دیدگاه استادش درباره صرفه را نمی‌پذیرفت، اما او کتاب نظم‌القرآن را به همین جهت نگاشت تا یادآوری کند که برجستگی و ویژگی قرآن را به عامل بیرونی مانند صرفه بر نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

در مرحله‌ای پس از طرح این نظریه، ابوسلیمان حمدبن محمد خطایی بستی (۳۸۸م) برخاست. بستی، که اصالتاً افغانی بود ولی در بغداد می‌زیست، با تأکید بر بلاغت قرآن، محوریت حلاوت و جاذبه را فخرامت الفاظ قرآن قرار داد و همچنین فصاحت قرآن و زیبایی و در نهایت جاذبه قرآن را در تأثیر نفوس برجسته کرد.<sup>۲</sup>

پس از این مرحله به بعد بود که گفتمان اعجاز قرآن و زیباشناسی این کتاب ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد، مثلاً ابوعیسی رمانی (۳۸۶م) به شرایط و موقعیت کتاب اشاره می‌کند و وجوهی را که بیان‌گر اعجاز قرآن است، مورد مذاقه قرار می‌دهد و به هفت وجه اشاره می‌کند.<sup>۳</sup>

این آهنگ ادامه می‌یابد و کسانی به وجوه متنوع‌تری اشاره می‌کنند و افزون بر نکات ابوعیسی رمانی به حسن تألیف و تناسب کلمات، صورت نظم شگفت‌آور، اسلوب ویژه مخالف با اسلوب کلام عرب و تأثیر خاص قرآن در ناتوان کردن مخاطبان می‌پردازند.

به هر حال بررسی زیباشناسی‌های قرآن هم‌چنان تا امروز ادامه می‌یابد. قرآن‌پژوهانی بر محوریت خاصی از ابعاد وجوه قرآن تأکید می‌کنند و آن را دلیل بر زیبایی آن برمی‌شمارند.

کتاب حاضر، با نام جمالیات المفردة القرآنیة و ترجمه فارسی آن، زیباشناسی واژگان قرآن به قلم احمد یاسوف و ترجمه سیدحسین سیدی، در صدد این است تا زیباشناسی واژگان قرآن را در آثار بلاغت

قرآنی، به‌ویژه تفسیر بیانی - در گذشته و حال - گردآوری نماید.

نکاتی درباره این پژوهش گفتنی است:

۱. نویسنده در این پژوهش به بررسی هنری دیدگاه پژوهش - گران پرداخته و طبق مبانی هنر به ارزیابی آن‌ها می‌پردازد و به تعریف معیارهایی مبادرت می‌کند که پژوهش‌گران از خلال مفهوم زیبایی هنری به آن تکیه کرده‌اند.

۲. نگارنده در بررسی هر جنبه از زیبایی واژگان قرآن از روش تاریخی پیروی کرده و به ثبت زیباشناسی واژگان در اولین کتاب‌های اعجاز القرآن، مانند البیان فی اعجاز القرآن، از خطابی و النکت فی اعجاز القرآن، از رمانی و دیدگاه‌های جاحظ در دو کتاب البیان و التبيين و الحیوان می‌پردازد. نیز، به باقلانی، صاحب اعجاز القرآن و ابن سنان خفاجی در سرالفصاحه و ابن اثیر در المثل السائر مراجعه می‌کند.

۳. نگارنده در مراجعه به کتاب‌های تفسیر، تنها به تفاسیری به جنبه‌های بلاغی قرآن تکیه دارند، مراجعه می‌کند. این تفاسیر عبارتند از: الکشاف زمخشری که مهم‌ترین مرجع این پژوهش است، پس از آن، تفسیر نسفی با نام مدارک التنزیل و حقائق التأویل وتفسیر ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم از اُبی مسعود.

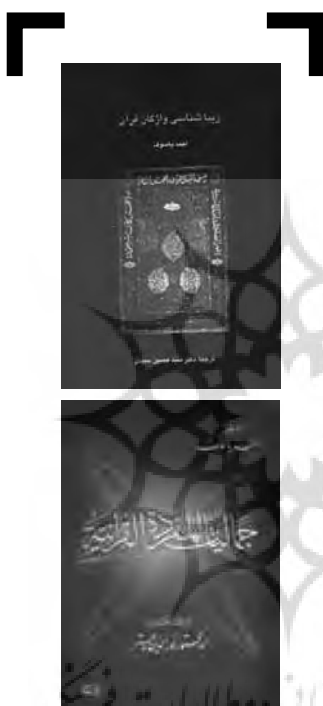
۴. از منابع جدید، کتاب من بلاغة القرآن از احمد بدوی در صدر کتاب‌هایی است که برای شناخت دیدگاه معاصران به کار رفته است. پس از آن، کتاب فی ضلال القرآن و التصوير الفنی فی القرآن و مشاهد القيامة از سید قطب. البته گروه نویسندگانی دیگر نیز بوده‌اند که نگارنده از آن‌ها بهره جسته است.

### درباره کتاب

این پژوهش در یک مقدمه و چهار فصل و یک نتیجه‌گیری تنظیم شده است:

### مقدمه کتاب

درآمد کتاب پیرامون مفهوم زیبا و ابزار درک آن از نظر مسلمانان است. در این بخش به نقطه نظرانی از جاحظ، ابوحیان و غزالی درباره امر زیبا می‌پردازد. مثلاً جاحظ مفهوم زیبا را به مفید بودن مرتبط ساخته است.<sup>۵</sup> ابوحیان بر زیبایی معنوی تأکید می‌کند.<sup>۶</sup> غزالی میان زیبا و سودمند تفکیک نموده است.<sup>۷</sup> در واقع، در این مقدمه، نگارنده به تبیین ارتباط امر زیبایی واقعی با سودمندی از دیدگاه مسلمانان می‌پردازد.



احمد یاسوف، زیباشناسی  
واژگان قرآن، ترجمه دکتر سید-  
حسین سیدی، تهران: انتشارات  
سخن، ۱۳۸۸



## فصل اول

در این فصل، به مفهوم واژه در ادبیات و جنبه‌های زیباشناختی آن پرداخته می‌شود و آرای برخی از ناقدان معاصر را بیان می‌دارد. نگارنده در این بخش به توضیح کارکرد واژه در متن ادبی مطابق با وضع جدید می‌پردازد. به همین جهت به مسئله فراتر رفتن واژه از حد قاموس و ویژگی دلالت آن در قرآن و رابطه واژه با نظم و توهّم تناقض میان آن دو می‌پردازد.<sup>۱</sup> دیگر مباحثی که در این بخش به آن پرداخته می‌شود، اصطلاح ترادف است<sup>۲</sup> که نگارنده از سخنان طرفداران ترادف مانند ابن سکیت و طرفداران تفاوت بین معانی واژگان مانند ابوهلال عسکری و ثعالبی سخن به میان آورده است. در نهایت، نگارنده در این باب زبان‌شناسان را به دو گروه قابل

تقسیم می‌داند؛ گروهی که ترادف را پذیرفته‌اند و گروهی مانند مبرد آن را انکار کرده‌اند.<sup>۱</sup>

بخش پایانی این فصل، تأثیر موسیقایی واژگان قرآن است. در این جا نگارنده به آیاتی می‌پردازد که به درک موسیقی حروف و بافت قرآن فرا می‌خواند. در قرآن به دو نمونه از زیبایی موسیقی اشاره می‌کند:

۱. زیبایی آشکار که در فاصله -ها و حروف مقطعه خود را می‌نماید که فاصله‌ها شبیه قافیه در شعرند و در تنوع با آن‌ها متفاوت؛

۲. زیبایی پنهان که میان حرف و حرکت پنهان است و از خلال انسجام بین حروف صغیری و حروف تخمیه و حروف انفجاری و حروف روان و نرم ظاهر می‌شود و این در یک بافت به هم پیوسته می‌باشد که هر پاره و بخش جایگاه طبیعی خود را طبق تناسب موضوع از حیث شدت و نرمی می‌یابد.<sup>۱۱</sup>

## فصل دوم

این فصل به سهم و مشارکت واژگان قرآن در تصویر بصری می‌پردازد.

در این قسمت، به سهم واژگان قرآن در تجسم بخشی مجردات و امور معنوی از طریق استعاره و تشبیه پرداخته است. نگارنده ابتدا به تعریف تجسم در لغت و اصطلاح پرداخته و پس از آن با نگاهی به تلاش گذشتگان و معاصران، روشن می‌کند که گذشتگان جنبه زیباشناسی و اهمیت واژگان را به عنوان عامل اساسی ویژگی حسی بخشیدن به معانی را درک نموده‌اند. در بخشی دیگر، به واژگان

طبیعت می‌پردازد که بر زیبایی تصویر کمک می‌کند و با تبیین مفهوم طبیعت در قرآن و هماهنگی بین آن‌ها و انسان - به عنوان پدیده تحت تسلط آدمی - آغاز گشته است. در بخشی از کتاب بیان می‌دارد که طبیعت در قرآن دارای هدف دینی است؛ هرگاه بهشت ذکر می‌شود، صفات آن برای تشویق مؤمنان با تفصیل می‌آید که آنان را به اطاعت و نیکی تشویق نماید و به ذکر جزئیات آن می‌پردازد که در ظاهر شبیه زیبایی طبیعی است که در زمین به آن عادت کرده‌ایم.<sup>۱۲</sup> در بخشی دیگر نگارنده طبیعت را به جمادات مانند درخت و سنگ و به طبیعت متحرک مانند ملخ و عنکبوت تقسیم کرده و میزان درک پژوهش‌گران را از تناسب این واژگان را برای ارائه یک تصویر هنری از این واژگان توضیح داده است.

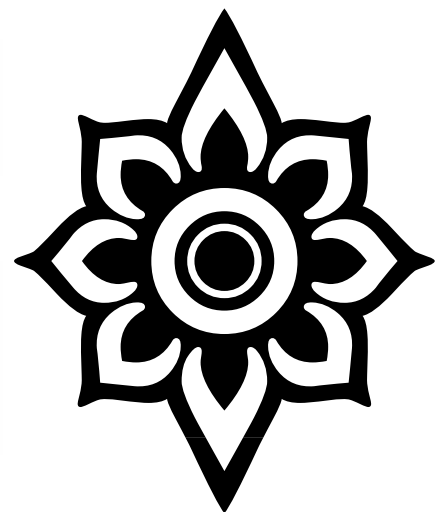
قسمت سوم این فصل، به بحث در باب مشارکت واژگان قرآن در جان‌بخشی (تشخیص) معانی و امور مجرد می‌پردازد. ابتدا به معنی اصطلاحی تشخیص می‌پردازد و سپس آن را از نظر گذشتگان و معاصران بیان می‌دارد. و به این نتیجه می‌رسد که گذشتگان تلاش فراوانی برای توجه‌شان در انتقال واژه از حوزه‌ای دیگر به کار بسته‌اند و تأملات هنری‌شان را با تأکید بر اهمیت واژه جان‌بخشیدن شده طبق اصطلاح استعاره، یا مجاز عرضه نمودند و دریافته‌اند که ویژگی انسانی به جمادات و امور معنوی بخشیدن بر مخاطب بسیار اثرگذار خواهد بود. بخش پایانی این فصل، به بررسی تصویر حرکت توسط واژگان اختصاص دارد. نگارنده در این بخش، قصد دارد در باب حرکتی که واژگان قرآنی منتقل می‌نمایند، سخن بگوید. این حرکت‌ها را به نقل برخی به حرکت قوی سریع و حرکت کند تقسیم می‌کند.

## فصل سوم

این فصل با عنوان مشارکت واژگان قرآن در زیبایی شنیداری، به زیبایی موسیقی واژگان قرآن می‌پردازد. نخستین قسمت آن، به مسئله انسجام و هماهنگی می‌پردازد و به دیدگاه کسانی چون، ابن سنان<sup>۱۳</sup>، ابن اثیر<sup>۱۴</sup> و آن‌گاه به دیدگاه برخی از معاصران<sup>۱۵</sup> در این زمینه می‌پردازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که آهنگ، به واسطه خود آواست. در قسمت دوم، به بلندی واژگان طبق دیدگاه ابن سنان پرداخته که طول واژگان را زشت می‌شمرد، پس از آن دیدگاه ابن اثیر را بیان می‌دارد که او برخلاف ابن سنان، به زیبایی طول واژگان اشاره می‌کند.

در قرآن به واژگانی بر می‌خوریم که دارای حروف زیاد هستند، مثل «سنستدرجهم» در آیه «سنستدرجهم من حیث لا یعلمون» و «نلزمکموها» در آیه «نلزمکموها و انتم لها کارهون» و دیگر کلمات بلند. ابن کثیر با عبارات طولانی در قرآن به رد نظریه ابن سنان پرداخت.

قسمت سوم به بحث درباره مفهوم لطافت و مغالطه‌ای که برخی



از پژوهش‌گران در تفسیر آن دچار گشته‌اند، پرداخته است. در این‌جا از طبیعت آوای زبانی در زبان‌شناسی و مقایسه لطافت با سنگینی و متانت سخن گفته می‌شود. قسمت چهارم درباره تأثیر زیبایی حرکت به واسطه کلام بر زیبایی مدها سخن می‌گوید. قسمت آخر، به بررسی جلوه‌های تجسم معانی توسط صوت و به اصطلاح «نام‌آوا» می‌گوید. نام‌آوا یعنی تجسم معنا به وسیله آوا، یعنی ساخت خود به خود، بر محتوای آن دلالت نماید.<sup>۱۵</sup>

### فصل چهارم

این فصل به جنبه‌های روان‌شناسی که پژوهش‌گران در تبیین رابطه بین واژگان و موضوع یا ایده به آن پرداخته‌اند، می‌پردازد. در بخش نخست، تلاش پژوهش‌گران را در نشانه‌های ساخت واژه بیان می‌کند؛ یعنی بیان قرآنی ساخت‌هایی از واژگان را ذکر می‌کند که دارای معانی هستند که در ساخت‌های دیگر وجود ندارد. در این بخش به ذکر نظرات ابن جنی،<sup>۱۶</sup> زمخشری<sup>۱۷</sup> و معاصران<sup>۱۸</sup> می‌پردازد. قسمت دوم، به دلالت‌های تربیتی - اخلاقی واژگان قرآن می‌پردازد. در این بخش، به جنبه اخلاقی در گزینش واژگان مربوط به زن و رابطه وی با مرد اشاره می‌شود و آن‌گاه به جنبه اخلاقی در امور کلی می‌پردازد که بر اوج و منزلت والای خطاب قرآن دلالت دارد.<sup>۱۹</sup> این اشارات در تأملات پژوهش‌گران با عناوین کنایه، تلمیح و مجاز یافت می‌شود. در بخش سوم، نگارنده به مسئله ایجاز و فشردگی واژگان قرآن می‌پردازد و آن را ظرفیت واژه برای معانی بسیار نام می‌نهد. سپس به دیدگاه صاحب‌نظران می‌پردازد. قسمت دیگر، سازگاری موقعیت در گزینش واژگان یا اختصاص یا دلالت لغوی آن برای تحقق اشاره روان‌شناسی یا گسترش حاشیه‌های دلالت لغوی را مشخص می‌کند. در این قسمت، نگارنده نمونه‌هایی را در کتاب‌های اعجاز و تفسیر بنا به ترتیب تاریخی و در عین تفاوت در درک هر یک و تأثیر مسائل عصر در کشف این ویژگی و با پرهیز از تکرار ارائه می‌نماید. قسمت سوم به مبحث فاصله - کلمه پایانی آیه - اختصاص یافته است. این بخش، با تعریف فاصله آغاز می‌شود. این بخش در بردارنده ایده تناسب فاصله با ماقبل آن، مانند ایغال، توشیح، و استعمال آن با معنای جدید است.

### نتیجه‌گیری

در پایان، نگارنده مهم‌ترین دستاوردهای خود را از این پژوهش بر می‌شمارد:

۱. واژگان قرآنی در تبیین زیبایی تصویر بیانی سهیم است و عنصری مهم از عناصر زیبایی بصری است، چون حلقه وصل بین معنا و انتقال آن به صورت زیبا می‌باشد.

۲. واژگان قرآنی دارای ویژگی زیبایی ساخت و محتوا است و میان قدرت تأثیرگذاری تصویر و روانی آوا وحدت برقرار نموده

است.

۳. جنبه دیگر زیبایی واژه، به زیبایی حسی نیست، بلکه به خرسندی و سازگاری با بافت کلی دلالت دارد.

۴. امکان استقلال واژه به زیبایی تأثیرگذار در ساخت آیه از نتایج مهم این پژوهش است.

۵. واژه زیبایی نظم قرآن را نفی نمی‌کند، بلکه زیبایی آن به نظریه نظم قرآن نسبت داده می‌شود.

۶. قرآن و حدیث نبوی بر زیبایی ساخت آوایی قرآن دلالت دارد و پژوهش‌گر قدیم به این زیبایی دست یافته و لذا معاصران، کاشفان زیبایی موسیقی نیستند.

۷. درک بلاغت قرآنی تنها محدود به ادبا نبوده است؛ چنان‌که محدود به دوره خاصی نیست. |

### پی‌نوشت

۱. زرکشی، بدالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، تحقیق یوسف مرعشلی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۹۳.
۲. زمانی، جرجانی، بستی، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، تحقیق محمد زغلول سلام، قاهره، دارالمعارف بمصر، ط ۲، ۱۳۸۷ هـ ص ۱۳.
۳. همو، ص ۱۶.
۴. قاضی عیاض بن موسی، الشفا به تعریف حقوق المصطفی، قاهره، مکتبه دارالتراث، ۱۴۲۵ هـ فصل سوم، ص ۲۶۸.
۵. یاسوف، احمد، زیباشناسی واژگان قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۱.
۶. همو، ص ۲۳.
۷. همو، ص ۲۴.
۸. همو، ص ۳۳.
۹. همو، ص ۶۸.
۱۰. همو، ص ۷۵.
۱۱. همو، ص ۸۹.
۱۲. همو، ص ۱۲۹.
۱۳. همو، ص ۱۸۵.
۱۴. همو، ص ۱۸۷.
۱۵. همو، ص ۱۹۱.
۱۶. همو، صص ۲۵۸-۲۶۰.
۱۷. همو، صص ۲۶۰-۲۶.
۱۸. همو، صص ۲۶۷-۲۷۰.
۱۹. همو، صص ۲۷۳-۲۷۵.